

پیشگیری موقعیت مدار در پرتو جرم‌شناسی مدیریتی

محسن ناییبی^۱، مهرداد رایجیان اصلی^۲

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، تهران، ایران
^۲ عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیق و توسعه ی علوم انسانی

نویسنده مسئول: mohsennayebi38@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۰ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۵

چکیده

از اواسط سال‌های ۱۹۸۰ و به ویژه با ورود به دهه ۱۹۹۰، گرایش‌ها و نظریات جدیدی در جرم‌شناسی ظهور پیدا کردند که «جرم‌شناسی عمل یا رفتار مجرمانه» و «جرم‌شناسی مدیریتی یا مدیریت خطر فرصت‌های جرم» دو نمونه ی آن‌ها محسوب می‌شوند. در حالی که نخستین نمونه، با تمرکز بر تبیین‌های نظری علت شناختی، به ویژگی‌های عمل مجرمانه و به طور خاص بر عوامل پویا (دینامیک) گذار از قوه به فعل مجرمانه گرایش دارد، جرم‌شناسی مدیریتی به عنوان گونه جدیدی از یک جرم‌شناسی کاربردی، با استفاده از تدبیرها، اقدام‌ها و سیاست‌های پیشگیرانه و مبتنی بر پلیسی‌گری، به دنبال کنترل و پیشگیری از جرم است. این شاخه ی نوین و کاربردی جرم‌شناسی، با تکیه بر مدیریت محیطی یا اداره ی فضا و مکان، نمایان‌گر نوعی از کنترل اجتماعی است که هم‌تراز با ادبیات جرم‌شناختی در راستای شیوه‌هایی چون نصب دوربین مدار بسته، سخت کردن آماج جرم، نگهداری از فضا، نظارت و کنترل پلیسی، در ذیل مدل‌های پیشگیری (به‌ویژه، پیشگیری‌های موقعیت‌مدار) نیز قابل مطالعه است. در نتیجه، به نظر می‌رسد که جرم‌شناسی مدیریتی می‌تواند در قالب تدبیرهای کنشی (با تأکید بر پیشگیری موقعیت‌مدار اعم از محیطی و وضعی) بر مبنای نظریه‌هایی چون فرصت جرم و پنجره‌های شکسته، در کنترل و پیشگیری از بزه‌کاری نقش داشته باشد. نهایتاً آنکه، با توجه به نظریات جدید جرم‌شناسی، می‌توان نتیجه گرفت که این نظریات، ترکیبی از تبیین‌های علت‌شناختی اند که در بُعد نظری در قالب عمل یا رفتار مجرمانه و در جنبه ی کاربردی در چارچوب جرم‌شناسی مدیریتی مطرح شده اند.

کلیدواژه: جرم‌شناسی مدیریتی، جرم‌شناسی نظری، جرم‌شناسی کاربردی، فرصت جرم، پیشگیری موقعیت مدار.

۱. مقدمه

امروزه گرایش‌های جدید جرم‌شناسی با توجه به نظریه‌ها و مفاهیم گوناگونی در یک سده اخیر، در حال پدید آمدن است؛ جرم‌شناسی مدیریتی یکی از این گرایش‌های جدید است که از سال ۱۹۹۰ در پی ارائه نظریه جدیدی برخواست، در گفتمان آنگلوامریکن علوم جنایی مطرح شده است و با استفاده از تبیین‌های علت‌شناسانه ی نظریه‌های فرصت جرم، از راهکارهای پیشگیری موقعیت‌مدار و وضعی به منظور کنترل و مدیریت جرم بهره می‌برد. البته در گفتمان اروپایی - فرانسوی جرم‌شناسی، کسانی چون رمون گسن با تقسیم‌بندی جرم‌شناسی به دو شاخه نظری و کاربردی، بخش نظری این رشته مطالعاتی را شامل نظریه‌های علت‌شناختی که جرم‌شناسی عمل یا رفتار مجرمانه نامیده اند، می‌دانند و بخش کاربردی جرم‌شناسی را نیز به سه زیرشاخه ی حقوقی یا سیاست جنایی، بالینی و پیشگیری تقسیم‌بندی می‌کنند. بدین ترتیب می‌توان گفت که جرم‌شناسی عمل یا رفتار مجرمانه، بنیان نظری جرم‌شناسی مدیریتی به شمار می‌رود. برای مثال، پیشگیری وضعی در قالب جرم‌شناسی مدیریتی، در واقع تغییر سبک زندگی، کار و حضور اجتماعی افراد، تغییر ساعات فعالیت روزانه، محل‌های رفت و آمد، صرف نظر از برخی علاقه‌ها و آزادی‌هاست. یعنی صرف نظر کردن افراد از برخی از حقوق و آزادی‌هایشان که تحت تأثیر پیشگیری وضعی محدود و یا حتی از بین می‌روند. لیکن مهم‌ترین ایراد حقوق بشری وارد بر پیشگیری وضعی، مربوط به عدم احترام به حقوق و آزادی‌های فردی است چرا که این پیشگیری حتی در شکل حداقلی خود موجب محدود سازی افراد می‌گردد. با وجود این، امروزه در قلمرو جرم‌شناسی کاربردی، با تمرکز بر تدبیرها و اقدام‌های کنترلی و پیش‌گیرنده، سخن از یک جرم‌شناسی مدیریتی است که هدف کنترل و پیشگیری از بزه‌کاری را با استفاده از شیوه‌هایی چون پیشگیری وضعی یا محیطی و سیاست‌هایی چون پلیسی‌گری بر مبنای نظریه ی پنجره‌های شکسته دنبال می‌کند. به نظر می‌رسد که این گرایش معاصر جرم‌شناختی فرض می‌کند که صیانت از نظم و امنیت اجتماعی بر حمایت از حق‌ها و آزادی‌های فردی اولویت دارد و وانگهی، بدون وجود نظم و امنیت در جامعه، حق‌ها و آزادی‌های افراد نیز در معرض خطر و آسیب قرار می‌گیرند.

است از به کارگیری تدبیرهای طراحی مهندسی و معماری در فضاهای زندگی (شهر، محل سکونت و...) و به همین دلیل به آن پیشگیری از جرم از گذر طراحی محیطی و یا آمایش محیطی نیز گفته می شود.

۱-۲- مفهوم‌شناسی جرم‌شناسی مدیریتی

نظریات جدید جرم‌شناسی که بر ویژگی عمل مجرمانه و به طور خاص بر عوامل دینامیک گذر از قوه به فعل مجرمانه تمایل دارند، از اواسط سال های ۱۹۸۰ با افول جرم‌شناسی واکنش اجتماعی و به ویژه در دهه ۱۹۹۰ ظهور پیدا کرده و جرم‌شناسی عمل نامیده شده اند. جرم‌شناسی عمل مجرمانه، آورده های جدیدش بیشتر با علت‌شناسی این عمل و پویایی و دینامیک آن مرتبط است. دینامیک و پویایی عمل بزهکارانه، شامل معلومات جدیدی در خصوص مرتکب جرم، وضعیت پیش جنایی و خود پدیده ی «گذر از قوه به عمل» می باشد که جرم‌شناسی معاصر را غنی کرده است. در خصوص مرتکب جرم، نظریه هایی مانند «انتخاب عقلانی» با توسل به مفهوم آزادی تجربی، به برخی ساز و کارهای روان شناختی در محاسبه سود و هزینه پرداخته است که بر اساس آن بزهکاران بالقوه به ارتکاب این یا آن جرم کیفی تصمیم می گیرند. نظریه مذکور برگرفته از آن چیزی است که یونگ جرم‌شناسی مدیریتی می نامد. بر اساس نظریه یونگ، نظریه انتخاب عقلانی، بررسی دلایل جرم را رد کرده و بیشتر به مدیریت جرم می پردازد. یکی دیگر از نظریه پردازان اصلی در این حوزه، کلارک می باشد که بر اساس نظریه وی، افراد تصمیمات عقلانی را بر اساس هزینه ها و فایده هایی که عایدشان می شود، اتخاذ می کنند. همچنین کلارک و کورنیش اصول چشم انداز تئوری عقلانی را در شش مورد خلاصه نموده است. از جمله، یک مورد آن که، تصمیمات مشارکتی از سه مرحله رفتارهای آغازین، ادامه دادن، دست برداشتن تشکیل شده است و پنج مورد دیگر. در مورد وضعیت پیش جنایی، نظریه های «موقعیت های مناسب» و «پنجره شکسته» مطرح می شوند. موقعیت های مناسب، به دو گروه ۱- فرصت ها و موقعیت ها نسبت به افراد ۲- فرصت ها نسبت به اشیا یا اموالی که در اختیار فرد است طبقه بندی می شوند و این موقعیت های مناسب نشان می دهد که نحوه زندگی مدرن، چه مقدار «آماج» و فرصت های ارتکاب جرم را توسط بزهکار بالقوه افزایش داده است. نظریه «پنجره شکسته» بیان می کند که آشفتگی و تباهی زندگی جمعی توسط بی نظمی های محلی (رفتار های خلاف نظم اجتماعی)، بزهکاران بالقوه را در انجام عمل مجرمانه تحریک می کند با این باور که نظارت های اجتماعی از بین رفته اند و دیگر خطر شناسایی، دستگیری و تعقیب شان وجود ندارد. در مورد گذر از قوه به عمل بزهکارانه، پیشرفت های جرم‌شناسی جدید عمل، با ارائه ی تحلیل کلی از این پدیده ی در جریان، از فعالیت های کلاسیک فراتر می رود (گسن، ۱۳۹۴، صص ۲۲۶-۲۳۳). در این خصوص، رمون گسن نگرشی را که از بکر و کوهن اقتباس کرده است، عنوان می کند: عملکرد مجرمانه در طی چند مرحله و به صورت متوالی صورت می گیرد یعنی این که بزهکار در مسیر ارتکاب عمل مجرمانه دست به انتخاب می زند. انتخابی که کاملاً از پیش تعیین شده نیست، بنابراین، عملکرد مجرمانه، نتیجه یک روند غیر قابل پیش بینی است که از رابطه بین کنش گر و شرایط اطراف وی ناشی می شود. جرم‌شناسی مدیریتی اصطلاح ابداعی یونگ در دهه ۱۹۸۰ است که به سازماندهی جدید جرم‌شناسی در آمریکا و انگلیس بعد از اضمحلال نظریه ی نسبت گرایی مثبت گرا و اقدامات و ظهور جرم‌شناسی رادیکال اشاره دارد. جرم‌شناسی مدیریتی روی ماهیت رخداد کیفری و شرایطی متمرکز است که بزه در آن شرایط رخ می دهد و بر این باور است که مجرمین، عاملینی منطقی هستند که تلاش دارند تا هزینه های بالقوه و مزیت های اقدامات خود را برآورد نمایند. هدف از جرم‌شناسی مدیریتی آن است که جرم را برای مجرمین کم جاذبه تر کند (گسن، ۱۳۹۴، صص ۱۱۰-۱۱۳).

۲- تبیین‌های نظری

در پی گیری موقعیتی از جرم، هدف اصلی آن است که افرادی که در موقعیت ارتکاب جرم نسبت به آماج‌هایی خاص قرار می‌گیرند، قانع شوند که از آن رفتار یا دست‌کم از آن آماج دست بردارند. آموزه ی زیربنایی این راهکار هم آن است که پیشگیری از وقوع جرم هنگامی ممکن می‌شود که فرد کژرو، آماج عمل مجرمانه ی خود را غیر قابل دسترس دانسته، یا منافع احتمالی آن را کم‌تر از زیان‌هایش ببیند. اقدام‌های پیش‌گیرانه موقعیتی، برخورد‌هایی غیرکیفری، اغلب غیررسمی و دارای گستره‌ای فراگیرند که «موقعیت‌های پیش‌جنایی»، یعنی شرایطی را هدف قرار می‌دهند که زمینه را برای گذار از اندیشه به عمل مجرمانه فراهم می‌آورد و در پی آن، با تغییر در آن موقعیت‌ها فرایند تصمیم‌گیری مجرمانه را دست‌خوش تغییر و عقیم می‌سازند. بدین ترتیب، پیشگیری موقعیتی، توجهی به اصلاح شخصیت مجرم و تمایلات مجرمانه ی او ندارد و کانون توجه آن، موقعیت‌های ارتکاب جرم و آماج‌های بالقوه آن است (سلیمی، ۱۳۸۵، صص ۴۶۴) به طور خلاصه می‌توان گفت که پیشگیری موقعیتی جرم، دارای چهار مؤلفه ی زیر است: ۱) مبنای نظری که از فعالیت‌های روزمره و تصمیم‌های عقلانی استفاده می‌کند؛ ۲) روش‌شناسی استاندارد مبتنی بر پارادایم تحقیقی کنش؛ ۳) مجموعه‌ای از فنون کاهش فرصت یا تقویت آماج؛ ۴) بدنه‌ای از اعمال ارزیابی شده، از جمله مطالعات تغییر مکان جرم. بر این اساس، گونه‌های مختلف اقدام‌های پیش‌گیرانه موقعیتی در سه محور زیر طراحی می‌شوند: تقویت آماج‌های مستعد بزه‌دیدگی و محافظت از آنها؛ محدود ساختن و کنترل دسترسی افراد به فرصت‌ها و ابزارهای ارتکاب جرم؛ تحت نظر داشتن افرادی که در موقعیت ارتکاب این گونه رفتارها قرار دارند. پیشگیری موقعیت‌مدار، یکی از راه‌کارهای مهم کنترل رفتارهای کژروانه است. به عبارت دیگر، بیان‌گر از بین بردن زمینه ی گذار مجرم از اندیشه به عمل است و به مرحله ی پس از تصمیم مجرم به ارتکاب جرم و قبل از تحقق عمل مجرمانه مربوط می‌شود که به معنی از بین بردن فرصت ارتکاب جرم است. در این مرحله، که فرد تصمیم قاطع به ارتکاب جرم

گرفته، راه‌حلهایی به کار گرفته می‌شود تا از عملی کردن تصمیم خود منصرف شود؛ باید وضعیتی ایجاد شود که تحقق عمل مجرمانه را دشوار و پر خطر یا ناممکن سازد.

۱-۲- پیشگیری موقعیت مدار وضعی در پرتو جرم‌شناسی مدیریتی

پیشگیری وضعی به طور معمول به تدبیرهایی اشاره دارد که از گذر ابزارهای فنی (مکانیکی) یا فناورانه، هدف پیشگیری از ایجاد موقعیت‌های جرم‌زا را دنبال می‌کند از نظر سنتی کشیدن حصار، نرده، یا سیم خاردار پیرامون محل سکونت یا گامردن نگهبان یا سرایدار برای ساختمان یا مجتمع اداری یا مسکونی، از متداول‌ترین شیوه‌های پیشگیری وضعی بوده‌اند. با مدرن شدن جامعه‌های بشری روش‌های پیشگیری وضعی نیز پیشرفته‌تر شده‌اند و بر پایه فناوری‌های روز تولید شده و گسترش یافته‌اند برای نمونه، نصب دوربین مدار بسته، در شرایط جای حصار و نرده و نگهبان را گرفته‌است. شاخص‌های پیشگیری وضعی را ران کلارک و پاتریشیا می‌هیو در کتاب طراحی عاری از جرم (۱۹۸۰) معرفی کردند که راهبردهای هفت‌گانه‌ای را در چارچوب یک جرم‌شناسی مدیریتی در بر می‌گیرد: تقویت آماج جرم، حذف آماج جرم، حذف وسیله‌های ارتکاب جرم، کاهش سودآوری برای بزه‌کاران، نظارت رسمی، نظارت نارسمی یا نیمه رسمی و مدیریت محیطی. کلارک سپس در کتاب دیگرش (پیشگیری وضعی از جرم، نمونه پژوهی‌های کارآمد، ۱۹۹۷) شگردهای کاهش فرصت را به راهبردهای پیشین افزود که عبارتند از نظارت طبیعی از سوی رهگذران و ساکنان و حذف بهانه‌های ارتکاب جرم (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸، صص ۵۹-۶۰). سی‌ری جفری، جرم‌شناس دیگری بود که بر فرصت‌هایی که محیط در اختیار بزه‌کاران قرار می‌دهد تأکید داشت و جرایم گوناگون را ناشی از فرصت‌های جرم‌زا می‌دانست. این نظریه برای تبیین یک جرم‌شناسی کاربردی مدیریتی، از چند جزء تشکیل شده است که عبارت‌اند از: قلمروگرایی، نظارت، کنترل دسترسی، تصویر و نگهداری از فضا، سخت کردن آماج جرم، فعالیت پشتیبانی (حمایتی) (کلانتری و توکلی، ۱۳۹۳، ص ۱۵) که شرح هر یک از موارد فوق، در ذیل تشریح خواهد شد.

۱-۱-۲- قلمرو گرایی

منظور از قلمرو گرایی یا قلمرو پای، توانایی برقراری اقتدار بر محیط و تعیین شخص مسئول در منطقه و کسانی که مجازند در آن حضور داشته باشند و آنهایی که اجازه حضور ندارند است. (اشنایدر، ۱۳۸۵، ص ۲۵) هر موجود زنده‌ای بنا به خصلت خود مدعی قلمرو خاصی است و از آن در مقابل دیگران دفاع می‌کند. قلمرو گرایی روشی از طراحی است که بر تقویت افکار مالکانه تأکید می‌کند و یک احساس مالکیت در استفاده‌کنندگان قانونی آن فضا به وجود می‌آورد که در نتیجه آن فرصت‌های جرم برای بزه‌کاران با استفاده از ایجاد مانع برای استفاده‌کنندگان غیرقانونی کاهش می‌یابد. پیش‌نیاز حس قلمروگرایی در بین مردم مشخص کردن حریم فضاهای عمومی مثل خیابان، فضاهای اجتماعی (مانند فضاهای باز، فضاهای بازی و لباس‌شوئی) و فضاهای خصوصی مثل خانه‌های مسکونی و فضاهای باز خصوصی مثل حیاط منازل است. (جیسون و ویلسون، ۱۳۹۳، ص ۲۳) نتایج یک مطالعه نشان داد که برخی از سارقان برای ارزیابی میزان خطر سرقت از معیار قلمروگرایی استفاده می‌کنند. (Brown, Bentley, 1993, p1) برخی از راهبردهای مؤثر در بالا بردن حس قلمروگرایی ساکنان فضاهای عبارتند از: فضاهای خصوصی ساختمان باید از فضاهای عمومی متمایز باشد. ۲- هر بخش باید طراحی مختص به خود را داشته باشد. به طوری که به آن مکان هویت بخشد ۳- با ایجاد موانع واقعی و نمادین می‌توان از ورود غریبه‌ها به مکانها کاست و آنها را از ارتکاب جرم بازداشت. ۴- برای القای اینکه فرد از فضایی عمومی به فضایی خصوصی وارد می‌شود می‌توان از بوته‌ها، تغییر سطح زمین، حصارها و تغییر رنگ زمین استفاده کرد (استفاده از موانع انتقالی). (قورچی بیگی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰) با استفاده از حصارهای واقعی یا نمادین، محیط‌های مسکونی را می‌توان به منطقه‌هایی بخش کرد که ساکنان با اتخاذ رویکرد «این قلمروی من است» بتوانند آن را مدیریت کنند. گذر از فضای خصوصی (که اداره آن آسان است) فضای همگانی (که اداره آن دشوار است)، اهمیت دارد. بدین منظور: همه فضاهای درونی یا بیرونی ساختمان، تا جایی که امکان دارد، باید زیر کنترل یا نفوذ ساکنان باشند. اگر فضاهای بیرونی از خیابان یا پیاده‌رو دید داشته باشند، باید آنها را شخصی یا نیمه شخصی به شمار آورد. دیوارها، حصارها، و نرده‌ها آشکارا به منزله قلمرو تعریف می‌شوند. ابزارهای نمادین (مانند تغییر سطح، پلکان، دروازه ورودی، در ورودی و...) نیز ممکن است برای نشان دادن قلمرو به کار گرفته شوند. در شهرک‌هایی که تراکم بالاست، پلکان مشترک در صورت امکان باید به منزله شمار کوچکی از واحدهای مسکونی به کار گرفته شوند تا ساکنان یک دیگر و، از همه مهم‌تر، دزدان یا متجاوزان را تشخیص دهند. منطقه‌های اشتراکی بیرونی (مانند زمین‌های بازی، پوشیده از درخت، پارکینگ)، در صورت امکان، باید از مجاورت ورودی‌های ساختمان در دسترس بوده یا باید از قلمرو خصوصی ورودی داشته باشند (کلکوهون، ۱۳۹۰، ۱۳۸).

۱-۲-۲- نظارت

نظارت را می‌توان بخشی از محافظت بالقوه‌ی محله دانست. اگر مجرم تصور کند که در صورت ارتکاب جرم در معرض نظارت و مشاهده قرار خواهد گرفت اگر چه بالقوه این‌گونه نباشد، احتمال ارتکاب جرم توسط منافع و «فرایند گذار از اندیشه به عمل» وی کمتر خواهد بود. زیرا وی خطر ارتکاب

جرم را می‌سنجد. وی می‌داند که در این محل به دلیل نظارت بالقوه، احتمال دخالت ساکنین، پلیس و نهادهای بالا خواهد بود. در نتیجه از ارتکاب جرم منصرف می‌شود (اسماعیل زاده، ۱۳۸۷، ص ۳۵) نظارت بر سه گونه است:

۱) نظارت طبیعی و غیر رسمی: وقتی محقق می‌شود که منزل به گونه‌ای طراحی شود که ساکنان داخلی بتوانند به راحتی بر فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی بصورت کامل نظارت داشته باشند مابین نظارت بصورت معمول از طریق پنجره‌ها ممکن می‌شود. طراحی باید فضاهایی را ایجاد کند که بهتر در معرض دید ساکنان، همسایگان و رهگذران باشد.

۲) نظارت رسمی یا سازمان یافته: توسط افرادی که به این کار گمارده می‌شوند مانند محافظان امنیتی یا نگهبانان انجام می‌شود. چهار تحقیق انجام شده درباره افزایش نظارت رسمی در پارکینگ‌ها نشان دهنده این است که جرایم مرتبط با سرقت خودرو کاهش داشته است (Poyner, 1991, P 96). نظارت مکانیکی: با بهبود روشنایی و نصب دوربین‌های مدار بسته قابل اجراست.

الف: دوربین مدار بسته: مجرمان در هنگام ارتکاب جرم به خطر دستگیری بیشتر از شدت مجازات فکر می‌کنند و چون دوربین مدار بسته این خطر را افزایش می‌دهد، نصب آن می‌تواند در پیشگیری از جرم مؤثر باشد (Clarke, 1997, P 199).

ب: روشنایی: روشنایی به عنوان گونه‌ای از نظارت مکانیکی می‌تواند با ایجاد فضایی امن، بهبود فرصت نظارت و افزایش کنترل اجتماعی غیررسمی، این تصور را در ذهن ایجاد می‌کند که ارتکاب جرم در فضا دیده خواهد شد و در نتیجه جرم با واکنش ساکنان روبه‌رو خواهد شد. روشنایی تأثیر غیرقابل انکاری در پیشگیری از جرم دارد. روشنایی دو کار انجام می‌دهد: نخست اینکه به کسانی که ناظر یک وضعیت هستند کمک می‌کند که بیشتر و واضح‌تر دیده شوند. دوم اینکه مردم را تشویق به حضور بیشتر در محیط می‌کند. زیرا رؤیت پذیری بیشتر موجب احساس امنیت بیشتر و افزایش چشم‌های ناظر بر خیابان می‌شود. (Cozens, Neale, Whitaker, Hillier, Graham, 2003, PP 7-24). نور و روشنایی القاء کننده‌ی حس خوبی به انسان است و هنگامی که فرد از فضای تاریک وارد فضای روشن می‌شود احساس امنیت می‌کند. علاوه بر این، روشنایی می‌تواند با افزایش فرصت نظارت برای افراد و قلمروگرایی در محله و القاء حس امنیت، علاوه بر کاهش جرم بر ترس نیز غلبه نماید (قورچی بیگی، ۱۳۸۶، ص ۳۶۱). یک طراحی سیستماتیک در ارزیابی طراحی روشنایی در انگلستان و آمریکا نشان داد که بهبود روشنایی خیابان میزان ۷٪ جرم ثبت شده را در ۸ مطالعه آمریکایی و میزان ۳۰٪ در ۵ مطالعه انگلستان را کاهش داده است (اخوان، ۱۳۸۸، ص ۵۸). در یکی از جدیدترین بررسی‌ها که درباره روشنایی و نور توسط ولش و فارینگتون انجام شد، تعدادی از مطالعات موجود در آمریکا و انگلستان مورد بررسی دوباره قرار گرفت (Farrington, Welsh, 2002, P 15). در برخی مطالعات انجام شده، تأثیر روشنایی بر کاهش جرم بیست درصد بوده است (Poyner, Webb, 1997, P 83). جدیدترین مطالعه در سه کشور انگلستان، آمریکا و هلند در خصوص برگرلی (ورود به ملک غیر به قصد ارتکاب یکی از چهار جرم قتل، سرقت، تجاوز به عنف و تخریب) نشان داد که سخت کردن آماج جرم، منجر به کاهش برگرلی شد (Tseloni, Wittebrood, Farrell, Pease, 2004, P 66). نمونه‌پژوهی بومی پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی: در یک تحقیقی تحت عنوان تحلیل پارک شهری با تأکید بر رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی که پارک ملت شهرستان بناب مورد مطالعه واقع گردیده است بر نقش عوامل محیطی در پیشگیری از جرم پرداخته شده و از شاخص‌های کالبدی مؤثر در امنیت پارک شهری، شش مولفه (نور و روشنایی، دسترسی، مبلمان، جداره، طراحی و محوطه‌سازی و پوشش گیاهی) به عنوان متغیر مستقل انتخاب گردیده است و نتیجه‌گیری شده است که از بین مولفه‌ها، شاخص نور و روشنایی بیشترین تأثیر را و مولفه مبلمان کمترین تأثیر را در احساس امنیت استفاده‌کنندگان پارک ملت شهرستان بناب داشته و در صورت نادیده گرفتن نور و روشنایی که به امنیت شبانه پارک مربوط می‌شود این نتیجه حاصل شده است که ضعف در طراحی و محوطه‌سازی پارک ملت مهمترین عامل تأثیر گذار بر احساس امنیت شهروندان در پارک مورد مطالعه بوده و باعث کاهش احساس امنیت استفاده‌کنندگان از این پارک شده است. (هادوی اقدم و رحیمی، ۱۳۹۷، صص ۱۱۷-۱۳۹). با این اوصاف مشخص می‌گردد که روشنایی می‌تواند در کاهش جرم، مؤثر واقع گردد.

۳-۱-۲- کنترل دسترسی یا ورودی

از این اصل برای کاهش توان دسترسی در جرم خیزی و ارتکاب جرم استفاده می‌شود. برای ایجاد دسترسی مطلوب و کاهش دسترسی مجرمان می‌توان از نظارت‌های عمومی بر معابر و مسیرهای دسترسی به اماکن و فضاهای شهری بهره‌گرفت (حاتمی نژاد و منصوری، ۱۳۸۷، ص ۷۱). کنترل دسترسی یا ورودی‌ها شامل راهبردهای غیررسمی یا طبیعی (مانند تعریف فضا)، رسمی یا سازمان یافته (مانند استخدام نگهبان یا پذیرش در ورودی ساختمان) و مکانیکی (مانند قفلها و آیفونهای تصویری) می‌باشد مناطقی که دارای ورودیها و دسترسی‌های نامنظم و بی‌قاعده هستند، نسبت به مناطقی که دارای ورودی و دسترسی محدود هستند، جرایم بیشتری را تجربه می‌کنند. یک مطالعه در انگلستان نشان داد که بین نقاط ورودی ساختمان و وقوع جرم همبستگی وجود دارد. (Coleman, 1985, P 11)

۴-۱-۲- تصویر و نگهداری از فضا

نظریه فضای قابل دفاع بر این نکته تأکید دارد که امنیت و قابلیت زندگی در یک فضا بستگی به درک و تصویری دارد که ساکنان محله‌های مجاور از آن فضا دارند. اگر ساکنان، تصویر بدی از آنها داشته باشند، احتمال ارتکاب جرم در آن فضا بیشتر خواهد شد. ارتقا و بهبود تصویر مثبت از محیط و حفظ و

نگهداری مرتب محیط این اطمینان را به ساکنان می دهد که محیط فیزیکی کارکرد خود را به طور مؤثر انجام داده و موجب انتقال پیام های مثبت به تمام ساکنان و کاربران فضا خواهد شد. به طور قطع تحقیقاتی وجود دارد که نشان می دهد هر چه محیط و محله بهتر نگهداری شود علاوه بر اینکه قلمروگرایی را میان ساکنان افزایش می دهد احساس تعلق به محله را ارتقا داده و این حس را القا خواهد کرد که محله دارای فضای امن است و کوچکترین خطا و انحرافی در این محله با واکنش روبه رو خواهد شد. (قورچی بیگی، ۱۳۸۶، ص ۶۲) خانه ها و فضاهای خالی و بلاتصدی به مانند یک آهن ربا در برابر جرم عمل می کنند (Spelman, 1993, P 481). این بخش از مفهوم پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی با نظریه پنجره های شکسته رابطه تنگاتنگی دارد. یک پنجره تعمیر نشده و شکسته خود نشانه ای از این است که هیچ کس نگران نیست، بنابراین پنجره های بیشتر هیچ هزینه ای ندارد (ویلسون، ۱۳۸۲، ص ۱۸۱). خوشبختانه می توان عنوان نمود که امروزه در کشور ایران، این گونه ضبط تصاویر و نگهداری فضا توسط دوربین های مدار بسته اعمال می شود. با این حال، امنیت و قابلیت زندگی در یک فضا یا مکان، بستگی به درک و تصویری دارد که ساکنان و محله های مجاور از آن فضا دارند و می توانند آن را پدید آورند.

۲-۱-۵- دشوارسازی آماج جرم

سخت کردن آماج جرم در ساختمان به معنای بهبود استانداردهای امنیتی در ساختمان است که موجب دور نگه داشتن مجرمان از ساختمان می شود. به عبارت دیگر می توان گفت سخت کردن آماج جرم به این معناست که آماج ها و اشیایی که معمولاً مورد سرقت قرار می گیرند به نحوی طراحی شوند که در برابر جرم مقاوم بوده و از تخریب یا سرقت در امان بمانند. این عمل، زمانی به وجود خواهد آمد که اقدامات پیشگیرانه از سوی شخصی که می تواند در آینده به عنوان بزه دیده یا زیان دیده شناخته شود، صورت گیرد (کاو، ۱۳۹۱، ص ۵۷). جدیدترین مطالعه در سه کشور انگلستان، آمریکا و هلند در خصوص برگرایی (ورود به ملک غیر به قصد ارتکاب یکی از چهار جرم قتل، سرقت، تجاوز به عنف و تخریب) نشان داد که سخت کردن آماج جرم، منجر به کاهش برگرایی شد (Tseloni, Wittebrood, Farrell, Pease, 2004, P 66).

۲-۱-۶- فعالیت پشتیبانی (حمایتی)

فعالیت پشتیبانی شامل استفاده از طراحی به منظور تشویق ساکنان جهت استفاده و حضور بیشتر در فضاهای عمومی است لذا تحقیقاتی وجود دارند که بر کاربری مختلط و متنوع محله تأکید دارند زیرا موجب کاهش فرصتهای مجرمانه به علت افزایش حضور مردم و افزایش انواعی از فعالیت ها خواهند شد (Pettersson, 1997, P 179).

۳-۱- پیشگیری موقعیت مدار محیطی در پرتو جرم شناسی مدیریتی

۳-۱-۱- نسل اول پیشگیری محیطی

پیشگیری محیطی عبارت است از به کارگیری تدبیرهای طراحی، مهندسی و معماری در فضاهای زندگی و به همین دلیل به آن پیشگیری از جرم از گذر طراحی محیطی و یا آمایش محیطی (جندلی، ۱۳۹۳، ص ۸۰) نیز گفته می شود و نظریه ی طراحی عاری از جرم را برای تبیین این گونه از پیشگیری موقعیت مدار به کار می گیرند. طراحی عاری از جرم به کاربرد شیوه ها یا شگردهای طراحی و مهندسی با جهت گیری پیشگیری از جرم اشاره دارد. یعنی در برنامه ها یا طرح های ساخت و ساز فضاها یا مکان های زندگی همواره باید از طراحی و مهندسی به شکلی که موقعیت ها یا فرصت های جرم زا پیشگیری کند، بهره برد (grouped all securities listed on the New York Stock, 2013, pp. 169-174). برای نمونه، اگر قرار است فضایی به عنوان زمین بازی برای کودکان و نوجوانان در یک مجتمع مسکونی تعبیه شود، باید به گونه ای طراحی و مهندسی شود، که در صورت عدم حضور فیزیکی و مستقیم پدر یا مادر در زمین بازی، دید مناسب برای کنترل و نظارت از دور (برای نمونه، از درون خانه) بر فرزندان وجود داشته باشد، تا از خطرهایی مانند کودک ربایی یا تعرض و تجاوز جنسی به آنان پیشگیری شود. نمونه پژوهی بومی نسل اول پیشگیری محیطی: در پژوهش راهکارهای معماری برای پیشگیری از وقوع جرم در مجموعه های مسکونی باز در سطح ساختمان مسکونی (نمونه های مورد مطالعه مسکن بسیجیان تالش، مسکن مهر رشت و مسکن ارکید گلسار رشت)، چهار اصل از اصول مختلف قابل شمارش در حوزه مطالعاتی پیشگیری از وقوع جرم که ارتباط مستقیم و نزدیکی با فاز طراحی و معماری این مبحث دارد، انتخاب شده است. این اصول عبارت اند از: نظارت (رؤیت پذیری)، قلمروپایی (تفکیک قلمروهای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی)، کنترل دسترسی (هدایت حرکت افراد و یا جلوگیری از ورود ایشان به فضاها با توجه به مرزها) و شنودپذیری (سنجش میزان قابلیت محیط در استفاده از صداهای کمک خواهی و پرهیز از ایجاد شرایط مناسب برای مجرم از لحاظ عدم شنیدن اصوات ناشی از ارتکاب جرم یا استمداد مجرم) در این پژوهش، برای بررسی علل نارسایی ها و چگونگی تأثیر راهکارهای طراحی، اقدام به تنظیم و توزیع پرسشنامه ای هدفمند در میان ساکنین مجموعه های مسکونی (مسکن مهر رشت) و مسکن بسیجیان تالش «و» مسکن ارکید گلسار رشت شده است. به این ترتیب مشخص شده که حدود ۷۷ درصد از پاسخ دهندگان ساکن مسکن بسیجیان تالش، ۳۳ درصد از ساکنین مسکن مهر رشت و ۱۸.۴ درصد از ساکنین مسکن ارکید گلسار رشت دچار ترس از وقوع جرم در سطح ساختمان مسکونی خود می باشند. نگرانی از وقوع جرم در یک فضای مشاع

مانند پارکینگ، با توجه به ماهیت نیمه عمومی فضا، مشخص می‌سازد که فضا نیازمند راهکارهای قلمروگرایانه جهت تقویت مراقبت ساکنین میباشد. بر این اساس تقسیم بندی فضاهای مشاع از طریق شماره گذاری و یا تفکیک راهپای دسترسی که میتواند به کاهش تعداد استفاده کنندگان از فضاها و تفکیک یک فضا بر حسب استفاده کنندگان آن، میتواند راهگشا باشد. در ورودی ساختمان که غالباً به صورت دروازه های ورودی برای سواره و پیاده به همراه دیوارهایی طراحی می‌شوند، رتبه دوم را در میزان نگرانی ساکنین از وقوع جرم به خود اختصاص می‌دهند. برای حفاظت از این قسمت، غالباً راهکارهای فعال به کار برده میشود مانند سخت کردن آماج جرم از طریق کاربرد مترتال مستحکم و... همچنین طراحی سردر به نحوی که مانع تسهیل در ورود بی اجازه به ساختمان شود (مثل ایجاد حالت هایی که منجر به سهولت در صعود از آن می‌گردد) می‌تواند ثمر بخش باشد قابلیت نظارت طبیعی بر ورودی ساختمان از طریق واشوهای واحدهای مسکونی ساختمان، عامل بسیار مهمی در کاهش میزان وقوع جرم از طریق نفوذ از در ورودی ساختمان می‌باشد. حیاط پشتی ساختمان، دیوار محوطه و راه پله نیز از دیگر محل های نگرانی ساکنین از وقوع جرم در سطح ساختمان مسکونی به حساب می‌آیند که همگی ذیل راهکارهای اصیل نظارت طبیعی قرار می‌گیرند. در حقیقت با افزایش امکان نظارت طبیعی از طریق ایجاد بازشوها و افزایش استفاده از آنها (با طراحی مناسب آنها و بهبود کارکرد آنها در رفع نیازهای متنوع تر) می‌توان منجر به کاهش میزان وقوع جرم در این قسمتها شد. تعبیه پلکان در نمای ساختمان به گونه ای که دارای جداره شفاف باشد و عنایت به حفاظت از پله به عنوان محل وقوع جرم و استفاده از آسانسورهای شیشه ای نیز راهکار دیگری بوده است که در این رابطه ارائه گردیده است. لذا پژوهش مذکور نمونه بارز نسل اول پیشگیری محیطی در سال اخیر به شمار می‌رود. (سیدین و جواهریان و آقابابایی و بایزیدی، ۱۳۹۸، صص ۱۳۵-۱۶۴).

۳-۱-۲- نسل دوم پیشگیری محیطی

هزاره سوم، گرایش مهم نوینی با عنوان (نسل دوم پیشگیری محیطی) پدیدار شده است که تدبیرهای پیشگیری محیطی را در راستای توسعه ی پایداری در برمی‌گیرد. این نسل طراحی محیط را به منزله نخستین گام برای ایجاد منطقه های سالم و پایدار می‌نگرد و خلق یک حس همسایگی و محلی بودن را از گذر جنبه های گوناگون توسعه ای (توسعه فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی) به عنوان هدف خود دنبال می‌کند (کلکوهون، ۱۳۹۰، صص ۱۱۸).

نتیجه گیری

جهت گیری های جرم شناسی مدیریتی را می‌توان از ابعاد مختلفی بررسی کرد که پیشگیری از جرم یکی از آنها است. اگرچه دیدگاهی که پیشگیری را جزئی از سیاست جنایی کشورها می‌داند، عقیده دارد که در عصر حاضر، پیشگیری و مجازات از یکدیگر جداناپذیرند، ولی به عقیده ی اکثر جرم شناسان معاصر، پیشگیری از جرم، آسان تر و کم خرج تر از سرکوبی و مجازات است. با وجود این، باید دید که این سیاست پیشگیری چگونه و از چه راه هایی بهتر و نتیجه بخش تر قابل اجرا است. از میان مدل های مختلف پیشگیری در جرم شناسی، تدبیرهای موقعیت مدار وضعی و محیطی، علاوه بر محدود کردن فرصت های جرم، امکان شناسائی و دستگیری بزه کاران احتمالی را نیز افزایش می‌دهند. وانگهی، ایجاد فضاهای قابل دفاع و سامان دهی محله ها یا محیطها، به گونه ای که حس مسئولیت و احساس تعلق به محیط را در ساکنان برانگیزد، نیز می‌تواند جزئی از این پیشگیری باشد. با این حال، در مورد جایگاه پیشگیری موقعیت مدار در پرتو جرم شناسی مدیریتی به چند نکته باید اشاره کرد. نخست این که تدبیرهای این گونه از پیشگیری نه تنها در جرم های عمدی بلکه در جرم های غیرعمدی (از طریق نصب سرعت گیر یا سرعت کاهها در مسیرهای رانندگی)، از نظر گاه جرم شناسی مدیریتی، می‌توانند در پیشگیری از جرم های ناشی از تخلفات رانندگی نقش داشته باشند. هم چنین، به این نکته باید توجه داشت که شیوه های پیشگیری محیطی و وضعی می‌توانند در شرایطی تلفیق شوند. برای نمونه، طراحان، مهندسان و معماران ممکن است از بعضی ابزارهای فنی/ فناورانه (از قبیل نصب دوربین های مدار بسته در مجتمع های مسکونی، یا نصب درهای ضد سرقت در خانه ها یا محل های کار) برای طرح ها یا پلان هایشان استفاده کنند. در نهایت، با توجه به نظریات جدید جرم شناسی، می‌توان نتیجه گرفت که این نظریات، ترکیبی از تبیین های علت شناختی اند که در بُعد نظری در قالب عمل یا رفتار مجرمانه و در جنبه کاربردی در چارچوب جرم شناسی مدیریتی مطرح شده اند. جرم شناسی مدیریتی با توجه به اهدافی که دارد به دنبال آن است تا با اجرای شیوه ها و تدبیرهای کنترلی نظارتی و فنی فناورانه، از فرصت های مجرمانه بکاهد. در این راستا، به نظر می‌رسد که جرم شناسان و کیفرشناسانی که از گرایش معاصر جرم شناسی مدیریتی پشتیبانی و دفاع می‌کنند، ضرورتها و مصحلت های نظم عمومی و امنیت اجتماعی را بر حمایت و تضمین حقها و آزادی های فردی با این استدلال مقدم می‌شمارند که در یک جامعه ی بی نظم و ناامن در مقابل جرم و بزه کاری، حقها و آزادی های فردی نیز از تعرض و آسیب مصون نخواهند ماند.

منابع

فارسی

اخوان، آرمین؛ صالحی، اسماعیلی، ۱۳۸۸، رویکرد جلوگیری از جرایم رویکردی مؤثر در کاهش جرم (C.P.T.E.D) از طریق طراحی محیطی در محیط های شهری، تهران، ماهنامه بین المللی راه و ساختمان.

اسماعیل زاده، یعقوب؛ اسماعیل زاده، حسن، ۱۳۸۷، عوامل مؤثر در کاهش با افزایش امنیت اجتماعی در شهرها، تهران، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم.

اشنایدر، تاد، ۱۳۸۵، پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی در مراکز آموزش، سروش بهریز، تهران، دانشگاه علوم انتظامی.

جندلی، منون، ۱۳۹۳، درآمدی بر پیشگیری از جرم، مترجم شهرام ابراهیمی، تهران، میزان.

حاتمی نژاد، حسین؛ منصور، بابر؛ فعلی، محمد، بی تا، تبیین نقش فضاهای شهری در پیشگیری از وقوع جرم و ایجاد امنیت، تهران، سپهر، ش ۸۷.

دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۷.

رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۹۸، درآمدی بر جرم شناسی، تهران، سمت.

سلیمی، علی؛ داوری، محمد، ۱۳۸۵، جامعه شناسی کزروی، مجموعه مطالعات کزروی و کنترل اجتماعی، قم، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه قم.

سیدین، سید امین؛ جواهریان، مهرداد، آقابابایی، حسین، بایزیدی، قادر، ۱۳۹۸، راهکارهای معماری برای پیشگیری از وقوع جرم در مجموعه های مسکونی باز در

سطح ساختمان مسکونی (نمونه های مورد مطالعه مسکن بسیجیان تالش، مسکن مهر رشت و مسکن ارکید گلزار رشت)، پژوهشنامه حقوق کیفری دانشگاه گیلان، ش ۱.

قورچی بیگی، مجید، ۱۳۸۶، راهبردهای کاربردی CPTED برای پیشگیری از جرم در مناطق مسکونی، تهران، مجله فقه و حقوق، ش ۲۱۵.

کاوه، محمد، ۱۳۹۱، آسیب شناسی بیماری های اجتماعی، تهران، نشر جامعه شناسان، ج ۱.

کلکوهون، ایان، ۱۳۹۰، طراحی عاری از جرم: ایجاد منطقه های امن و پایدار، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی و حمیدرضا عامری سیاهویی، تهران، میزان.

گسن، ریمون، ۱۳۹۴، مقاله بازگشت جرم شناسی، مترجم سید حسام الدین سید اصفهانی، تهران، فصل نامه علمی - ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، س ۵، ش ۱۷

معین، محمد، ۱۳۶۲، فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر، ج ۱.

نوربها، رضا، ۱۳۷۸، سیاست جنایی سرگردان، تهران، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۶-۲۵.

نیازپور، امیرحسین، ۱۳۸۲، پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی ایران و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم، تهران، مجله حقوقی دادگستری، ش ۴۵.

هادوی اقدم، فریبا؛ رحیمی، اکبر، ۱۳۹۷، تحلیل پارک های شهری با تأکید بر رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، مطالعه ی موردی پارک ملت

شهرستان بناب، فصلنامه پژوهشهای نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، ش ۱۵.

انگلیسی

1. Brown, B.B., Bentley, D.L. (1993), Residential burglars judge risk: the role of territoriality, *Journal of Environmental Psychology*, Vol. 13 No.1.
2. Clarke, R. (1997), *Situational Crime Prevention: Successful Case Studies*, 2nd Edition, Harrow and Heston, New York.
3. Coleman, A. (1985), *Utopia on Trial*, Hilary Shipman Ltd, Londo.
4. Cozens, P.M., Neale, R.H., Whitaker, J., Hillier, D., Graham, M. (2003), A critical review of street lighting, crime and the fear of crime in the British City, *Crime Prevention and Community Safety: An International Journal*, Vol. 5 No.
5. Farrington, D.P., Welsh, C. (2002), *Effects of Improved Street Lighting on Crime: A Systematic Review*, Crown Copyright, London, Home Office Research Study 251, Development and Statistics Directorate.
6. grouped all securities listed on the New York Stock, Asquith et al., 2013, vol. 15:3.
7. Muncie, John and McLaughlin, Eugene eds. 2013, *Criminological Perspectives* (3rd ed.). London: Sage.
8. Pettersson, G. (1997), Crime and mixed use development, in Coupland, A. (Eds), *Reclaiming the City: Mixed Use Development*, Spon, London.
9. Poyner, B. (1991), Situational crime prevention in two parking facilities, *Security Journal*, Vol. 2 No.1.
10. Poyner, B., Webb, B. (1997), Reducing theft from shopping bags in city centre markets, in Clarke, R.V. (Eds), *Situational Crime Prevention: Successful Case Studies*, 2nd ed., Harrow and Heston, Guildersland, NY.
11. Tseloni, A., Wittebrood, K., Farrell, G., Pease, K. (2004), Burglary victimization in England and Wales, the United States and the Netherlands: a cross-national comparative test of routine activities and lifestyle theories, *The British Journal of Criminology*, Vol. 44 No.1.
13. Spelman, W. (1993). Abandoned buildings. Magets for Crime? *Studies*. 2ed. Harrow and Hemton. Newyork. NY. *Journal of Criminal Justice*. vol 21 No.3.

Crime Prevention in the Light of Administrative Criminology

Abstract

Today, security is one of the most important values that Social Welfare provides for the creation and safeguarding of it, and uses criminal law tools, but victimization is one of the serious threats to security that has been created to combat these various schools. Theorizing and the main dominant focus of these theories have been the crime causality. In fact, criminology, as a science based on the causal nature of crime, has gone through many different periods throughout its life. But since the mid-1980s, and especially in the 1990's, new criminological theories emerged on the characteristics of criminal activity. It should now be noted that administrative criminology is characterized by the prevention of an individual (premature or growing), the position (environmental or conditional) and community (which is at the macro level the same social prevention and at the micro level of community-based prevention) Has reduced the phenomenon of crime; management prevention, with management in place, is somewhat reminiscent of social control theory, which is aligned with administrative criminology from the point of view of criminal sociologists. Therefore, crime prevention, in the light of administrative criminology, requires appropriate tools and programs that can involve all executive, judicial, and legal systems, and it seems that criminology can be managed both operationally especially, the prevention of a situation Circumstances, both environmental and situational, as well as reactive (in the precarious situation, according to the appropriate position theory, broken windows and other theories of the possibility of committing a crime) manage the crime and fight the criminal phenomenon.

Keywords: Prevention, crime, administrative criminology, theoretical criminology, positioning of the circuit.